

رابطه سبک مدیریت کلاس درس معلمان با خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی^۱

بنفشه دارابی گرگلانی^۲

بتول سبزه^۳

نعمت‌الله موسی پور^۴

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی رابطه سبک مدیریت کلاس درس معلمان با خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی بود. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و معلمان آن‌ها در پایه ششم ابتدایی منطقه ۴ شهر تهران که مشتمل بر ۴۰۰۰ نفر بودند که با استفاده از فرمول کوکران به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، تعداد ۳۵ کلاس و از هر کلاس ۹ دانش‌آموز به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. در این پژوهش از سه پرسشنامه سبک مدیریت کلاس ولفگانگ و گلیکمن (۱۹۸۶)، پرسشنامه مسئولیت‌پذیری نعمتی (۱۳۸۶) و پرسشنامه خودتنظیمی بوفارد و همکاران (۱۹۹۵) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج نشان داده است که بین سبک مدیریت کلاس درس با خودتنظیمی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). همچنین، نتایج نشان داده است که، سبک مدیریت معلم در کلاس درس، خودتنظیمی را در دانش‌آموزان ۱۷ درصد، تبیین می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان داد بین سبک مدیریت کلاس درس با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، رابطه معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). سبک مدیریت معلم در کلاس درس، مسئولیت‌پذیری را در دانش‌آموزان به میزان ۲۳ درصد، تبیین می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: خودتنظیمی، سبک مدیریت کلاس درس، مسئولیت‌پذیری.

تأیید نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان تهران

batoolsabzeh@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان تهران (نویسنده مسئول)

۴. استادتمام گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران

۱-۱. مقدمه

نظام آموزشی، نظامی هدفمند و پویا است که دارای دو بعد کیفی و کمی می‌باشد. تجارب کشورهای مختلف در زمینه آموزش این امر را به تأیید رسانیده است که کیفیت آموزش، مهم‌تر از کمیت آن است؛ زیرا کیفیت برتر آموزش، منجر به ایجاد و شکل‌گیری تحولات عمیق در زمینه شناختی در افراد می‌شود (عماد زاده، ۱۳۹۳). یکی از عوامل مهم که معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش به‌عنوان موضوعی ضروری به آن توجه دارند شیوه مدیریت کلاس است، این موضوع اساسی‌ترین مبحث در کیفیت آموزش محسوب می‌شود (سرمدی و صیف، ۱۳۹۰). مهم‌ترین دغدغه معلمان مبتدی، از اداره کلاس و یا به تعبیری مدیریت کلاس درس ناشی می‌شود. برقراری نظم و کنترل کلاس درس موفق، مجموعه نگرانی‌های معلمان است. بنابراین آگاهی از مفهوم مدیریت کلاس و سبک‌های آن، راهکار برون‌رفت از این نگرانی‌هاست.

در تعریف مدیریت کلاس درس گفته شده است: مدیریت کلاس درس ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است. بر این اساس می‌توان استنتاج کرد، مهارت مدیریت کلاس درس، سنگ بنای کل موفقیت در تدریس است. این امر به‌ویژه در کلاس‌های درس مدارس ایران که مملو از دانش‌آموزانی است که گاه شمار آن‌ها بالاتر از حد استاندارد است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (افشارنیا، عباسی و دسترنج، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، مدیریت کلاس درس، به معنای رهبری دانش‌آموزان از طریق طراحی، سازمان‌دهی منابع، فعالیت‌ها و محیط کلاس است که با هدف ارتقای کارایی کلاس درس و درنهایت افزایش مهارت‌های تحصیلی و زندگی شخصی دانش‌آموزان انجام می‌پذیرد (رنجبر، ۱۳۹۱).

نوع سبک مدیریت کلاس، به سبک تدریس و هدف معلم بستگی دارد و سبک مدیریتی هر معلم از عوامل موفقیتی آن معلم محسوب می‌شود. معلمان با به کار گرفتن یک روش مدیریتی مناسب می‌توانند به پرورش مهارت‌های اجتماعی، خلاقیت و توانایی دانش‌آموزان کمک کنند و به این ترتیب کمتر با مشکلات بی‌مسئولیتی و انضباطی در کلاس روبرو شوند (کوشان، ۱۳۹۳). آموزش‌دهندگان جدید فرایند آموزش، به‌جای انتقال صرف اطلاعات و کنترل حساب‌شده رفتار فراگیران باید به‌عنوان یک رهبر مؤثر در کلاس درس، عمل کنند. اگر هدف از آموزش تربیت نسلی بهتر از نسل قبل است باید افرادی دارای بینش علمی، آزادی اندیشه، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری^۱ تربیت شوند تا در نتیجه بتوانند شهروندان مفیدی باشند (شعبانی، ۱۳۹۳).

مدیریت کلاس به ایجاد محیط امن و محرک برای یادگیری اشاره دارد. این مفهوم ترکیبی از شخصیت معلم، توانایی‌ها و صلاحیت حرفه‌ای او می‌باشد که در قالب سبک‌های مختلف نمود عملی می‌یابد (عسگری و همکاران، ۱۳۹۶). تلاش‌های معلم برای سرپرستی و هدایت فعالیت‌های کلاس درس شامل تعاملات اجتماعی، رفتار دانش‌آموزان و یادگیری است و ممکن است معلمان یکی از سه سبک مداخله‌گر، غیر مداخله‌گر و تعامل‌گرا را در مدیریت کلاس استفاده کنند (ولفگانگ، ۱۹۹۶). رویکرد غیر مداخله‌گر، بر اساس باور انسان‌گرایان فرض بر این است که کودک انگیزه درونی برای شناخت دنیای واقعی دارد و نیازی به تحریک بیرونی ندارد؛ چراکه رشد تحت‌غریزه پدید می‌آید (مارتین و شوهو، ۲۰۰۰). دارد. در مقابل، فرض اصلی رویکرد مداخله‌گر این است که؛ محیط بیرونی، رشد را شکل می‌دهد. مکتب تغییر رفتار یا رفتارگرایی پایه تئوریک این رویکرد است. نظریه اسکینر و پاولوف از نخستین

۱. Responsibility

۲. Martin & Shoho

نظریه‌هایی هستند که در روان‌شناسی مقدماتی به وجود آمد. شرطی‌سازی کلاسیک، شرطی‌سازی فعال، تنبیه، تقویت، محرک و... از اصطلاحات کلیدی این مکتب هستند. معلم رفتارگرا علت بدررفتاری دانش‌آموزان را تأثیر نیروهای محیط بیرون می‌داند و بر اساس این باور سعی بر دخالت و کنترل رفتار دانش‌آموز جهت تغییر و بهبود دارد (ولفگانگ، ۱۹۹۶). رویکرد تعامل‌گرا که در میان دو رویکرد بالا قرار دارد، بر مبنای پیش‌فرض‌های مکتب روانشناسی اجتماعی، هم بر فعالیت‌هایی تأکید دارد که فرد برای تغییر محیط انجام می‌دهد؛ و هم به عوامل محیطی توجه دارد که بر فرد اثر می‌گذارد. اصول نظری تعامل‌گرایان را آلفرد آدلر^۱ توسعه داده است و ویلیام گلسر، چارچوبی نظری برای این رویکرد به وجود آورده است. نظریه انضباط مشارکتی آلبرت^۲ (۱۹۸۹) و انضباط قضاوتی گودرکول^۳ (۱۹۹۰) هر دو نمونه‌هایی از مدل رهبری کلاس مبتنی بر تفکر تعاملی هستند (مارتین و بالدوین^۴، ۱۹۹۶).

انتخاب روش صحیح مدیریت کلاس درس و سازمان‌دهی آن، می‌تواند در پرورش حس مسئولیت‌پذیری و خودتنظیمی دانش‌آموزان نقش مهمی داشته باشد و مشکلات مربوط به بی‌انضباطی و کنترل مستقیم بر دانش‌آموزان جهت انجام تکالیف و وظائف آن‌ها را کاهش دهد (مرادی و انصاری، ۱۳۹۹).

در برخی از کلاس‌ها معلم دستورالعمل‌هایی را به دانش‌آموزان می‌دهد و می‌خواهد که شاگردان به‌صورت دقیق و عینی آن‌ها را اجرا کنند، در برخی دیگر از سبک‌های مدیریتی معلم به‌عنوان راهنما و تسهیلگر عمل می‌کند. در بعضی دیگر از کلاس‌ها، همکاری جمعی و اشتراک بین شاگرد و معلم وجود دارد. در کلاس‌های نوع اول که بیان شد کلاس به سبک معلم‌مدار است و دانش‌آموز به مباحث موجود در کتاب‌ها دسترسی پیدا می‌کند، در کلاس نوع دوم که بر روابط متقابل و حرمت جمعی تمرکز دارد، شاگردان به ساختن دانش در ذهن دست می‌یابند (ایورتسون و راندولف^۵، ۱۹۹۵).

ولفگانگ^۶ و گلیکمن^۷ (۱۹۸۶) سه سبک مدیریتی از کلاس درس ارائه دادند که شامل: رویکرد مداخله‌گرایانه^۸، رویکرد تعامل‌گرایانه^۹ و رویکرد غیرمداخله‌گرایانه^{۱۰} است. در این پیوستار با عبور از طیف مداخله‌گرایی به سمت غیر مداخله‌گرایی، میزان کنترل کلاس و دانش‌آموز کمتر؛ مشارکت و مسئولیت دانش‌آموز در کلاس درس بیشتر می‌گردد. هرکدام از رویکردهای کلاس درس به نحوی بر شیوه رفتار و تمایلات دانش‌آموزان تأثیر دارد. کلاس‌های درسی که تحت عنوان رویکرد غیر مداخله‌گر هدایت می‌شوند، به دلیل کنترل محدود فضای کلاس، دانش‌آموزان حاضر در این نوع از کلاس‌ها، قادرند به راحتی نیازها و تمایلات خود را ابراز نمایند (غیاثوند و همکاران، ۱۳۹۶). در کلاس‌هایی با سبک مدیریتی مداخله‌گر، رشد و شکوفایی فرد به محیط بیرونی وابسته است نه تحت تأثیر خود فرد؛ در واقع کنترل کاملاً بر عهده معلم است. این دو رویکرد کاملاً افراطی هستند. رویکرد سوم تحت عنوان تعامل‌گرا مطرح می‌شود. در این رویکرد تأثیر متقابل فرد و محیط وجود دارد و کنترل بر عهده معلم و دانش‌آموز است (دجیگیک و

۱. Alfred Adler

۲. Albert

۳. Godrekol

۴. Martin and Baldwin

۵. Evertson & Randolph

۶. Wolfgang

۷. Glickman

۸. Interventionist

۹. Interactionist

۱۰. Non - interventionist

استوجیلکوویک^۱، ۲۰۱۲). مسلماً در چنین فضایی، امکان شکل‌گیری فعالیت‌های خودتنظیمی در کلاس درس فراهم می‌گردد. مطابق با عقیده پنتریچ و دیگروت^۲ (۱۹۹۰)، از ویژگی راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، بالا بردن سطح برانگیختگی است و به همین دلیل میزان درگیری شناختی در افراد با بالا رفتن یادگیری خودتنظیمی افزایش می‌یابد و این امر، موجب بهبود عملکرد تحصیلی یادگیرندگان یا دانش‌آموزان می‌شود. افراد دارای خودتنظیمی در انتخاب اهداف تحصیلی خود به‌صورت واقع‌گرایانه رفتار می‌کنند و از راهبردهای مؤثرتری برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند (مفاخری و معتمدی، ۱۳۹۰). همچنین برای آموزش و یادگیری از منابع در دسترس مانند همسالان، والدین، معلمان و منابع کمکی مانند فیلم و ویدئو و رایانه استفاده می‌کنند. خودتنظیمی که به نقش فرد در فرآیند یادگیری می‌پردازد پیامدهای ارزشمندی در فرآیند یادگیری، آموزش و حتی موفقیت زندگی دارد (مفاخری و معتمدی، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که خودتنظیمی باعث بهبود عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود (کالندا و واوروا^۳، ۲۰۱۶). سبک‌های یادگیری (حبیب‌پور سندانی، عبدلی سلطان احمدی و فاییدفر، ۱۳۹۴) و عوامل مربوط به مدرسه مانند سبک مدیریت کلاس درس (بخشی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۴) می‌توانند با خودتنظیمی و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط داشته باشند (غیاثوند و همکاران، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر مسئولیت‌پذیری به معنای پاسخگو بودن در برابر نیازهای خود و دیگران و انجام وظایف فردی و اجتماعی به بهترین شکل، با توجه به ابعاد مختلفی آن شامل: مسئولیت‌پذیری فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، موجب می‌شود که فرد در قبال رفتار خودش پاسخگو باشد؛ یعنی مسئولیت سود و زیان وظیفه یا تکلیفی را که برعهده گرفته است، بپذیرد (هیکستال و ماهونی^۴، ۲۰۱۳). این ویژگی به‌عنوان یکی از نشانه‌های رشد اجتماعی دانش‌آموز موجب افزایش رشد مهارت‌های اجتماعی می‌شود. و عدم وجود آن موجب ایجاد مشکلات عدیده‌ای در زمینه رابطه اجتماعی و مشکلات بین فردی خواهد شد، درعین حال با توجه به نقش پراهمیت نظام آموزشی می‌توان گفت به لحاظ منطقی، نمی‌توان بدون فراهم کردن شرایط آموزشی و بهبود افزایش کیفیت در مدیریت کلاس از دانش‌آموزان انتظار داشت به‌گونه‌ای مسئولیت‌پذیرانه رفتار کنند. در همین راستا می‌توان گفت رشد رفتار مسئولیت‌پذیرانه دانش‌آموزان در بستر کیفیت آموزشی ایجاد می‌شود (تقی زاده، ۱۳۹۶). حد پایین مسئولیت‌پذیری در جامعه مشکلات متعددی از قبیل: کاهش اعتماد اجتماعی، بی‌تفاوتی سیاسی، بی‌تفاوتی زیست‌محیطی، بی‌تفاوتی اجتماعی، بی‌تفاوتی مذهبی، ستیزه و جدال را در پی دارد (خواجانه‌نوری، مساوات و ریاحی، ۱۳۹۳).

عامریان (۱۳۹۶)، در پژوهش خود، نمونه‌ای با حجم ۲۰۴ دانش‌آموز را مورد مطالعه قرار داد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داده است که، موفقیت تحصیلی دانش‌آموزانی که معلمان آن‌ها سبک مداخله‌گر در مدیریت کلاس درس داشتند، نسبت به دیگر دانش‌آموزان که با معلمانی با سبک‌های غیر مداخله‌گر و تعاملی، ضعیف‌تر بوده است. تقی زاده (۱۳۹۶)، در پژوهش خود نشان داده است که: بین تدریس خوب، مدیریت اثربخش و روش‌های یادگیرنده محور و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و بین برنامه‌های درسی مرتبط، منابع و تجهیزات آموزشی، با میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر اهواز رابطه‌ای وجود ندارد. کوشان (۱۳۹۳)، در پژوهشی خود نشان داده است که رابطه میان این متغیرها معکوس است. بدین معنی که هرچه نمرات سبک

۱. Djigic & Stojiljkovic

۲. Pintrich & De Groot

۳. Kalenda & Vávrová

۴. Hextall & Mahony

مدیریت کلاس کاهش پیدا کند، سبک مداخله‌گر به سمت سبک تعاملی پیش می‌رود و نمرات یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان افزایش پیدا می‌کند. در واقع هر چه سبک مدیریت به سمت تعامل‌گرایی پیش برود، یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان بیشتر خواهد شد. فرا شاهی (۱۳۹۴)، در پژوهشی که بر روی ۳۵۰ دانش‌آموز انجام داده به این نتیجه رسیده است که بین میانگین انگیزش درونی و انگیزش بیرونی تحصیلی دانش‌آموزان با توجه به نوع سبک مدیریت معلمان از نظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. هیجان‌ات مثبت و هیجان‌ات منفی تحصیلی دانش‌آموزان با نوع سبک مدیریت معلمان آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. مدیریت کلاس درس در انگیزش و هیجان‌ات تحصیلی نقشی ندارد و انعطاف‌پذیری در نوع سبک‌های مدیریت کلاس نمی‌تواند رابطه‌ای با تنظیم انگیزش و هیجان‌ات تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. نظری و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود نشان دادند که به‌کارگیری سبک مدیریت کلاس مبتنی بر دموکراسی قانون‌مدار در کلاس درس، برافزایش میزان عزت‌نفس (شامل خرده مقیاس عمومی، خانوادگی، اجتماعی و شغلی و تحصیلی) دانش‌آموزان پسر مؤثر بوده است. آریاپوران، عزیزی و دیناروند (۱۳۹۲)، در پژوهش خود نشان دادند که، بین سبک مدیریت کلاس تعامل‌گرا و سبک مداخله‌گر معلمان با پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. سبک‌های مدیریت کلاس تعامل‌گرا و مداخله‌گر معلمان به‌عنوان قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان شناخته‌شده است.

توربوا، جانسون و مای برگ^۱ (۲۰۱۹)، در پژوهش خود نشان دادند که، معلمانی که خودکارآمدی بالاتری در اداره کلاس درس دارند کیفیت آموزشی بهتری دارند و همین امر بر یادگیری دانش‌آموزان و درک آن‌ها تأثیر بیشتری دارد. پلات، اکداج و کایا^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان داده است که مدلی که در آن نظم و انضباط کلاسی بر اساس یک قرارداد و با سطح متوسطی از کنترل معلم همراه است دارای بالاترین ترجیح از سوی معلمان بودند و مدلی که در آن سطح کنترل معلم بسیار بالا بود از کم‌ترین مقبولیت بین معلمان برخوردار بود. معلمان مرد نیز تمایل بیشتری به استفاده از قوانین محکمی برای ایجاد نظم و انضباط در کلاس درس داشتند. میشل و برادشاو^۳ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان داده است که استفاده صرف از سبک نظم و انضباط با نظم و انضباط کمتری در محیط کلاس همراه بود و استفاده از سبک تعاملی و حمایتی با نمره بالا در انضباط و پیشرفت و خودتنظیمی همراه بود. و همچنین استفاده از این سبک با یادگیری و کنترل بیشتر شرایط نیز توسط فراگیران همراه بود. آدیمو^۴ (۲۰۱۲) در پژوهشی که نمونه آن را ۲۰ معلم و ۸۰ دانش‌آموز تشکیل می‌داد، نتایجی را ضمن پژوهش درباره رابطه بین مهارت معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نشان داد که بیان کرده است، بین مهارت‌ها و تکنیک‌های مدیریت کلاس اثربخش معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس فیزیک رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. دیجیگیک و استوجیلکوویک^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشی به‌منظور طراحی پروتکلی برای ارزیابی سبک‌های مدیریت معلمان بر اساس سه سبک مداخله‌گر، غیر مداخله‌گر و تعامل‌گرا، بیان کردند که سبک‌های مدیریتی در کلاس درس از عوامل مهم و اثربخش در عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. آزوبوئیک^۶ (۲۰۱۲) در تحقیقی، مدیریت کلاس درس را به‌عنوان یک استراتژی کنترل برای ترویج کیفیت آموزش در نظر گرفت. بر اساس نتایج این پژوهش، وی

۱. Toropova, Johansson & Myrberg

۲. Polat, Akdag & Kaya

۳. Mitchell & Mitchell

۴. Adeyemo

۵. Djigic & Stojiljkovic

۶. Azubuike

بیان کرده است که کلاس درس مؤثر می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی کنترل در ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد و تمام اجزای محیط مدرسه باید به‌منظور دستیابی به اهداف مورد نظر با یکدیگر هماهنگ باشند.

همان‌طور که خلاصه یافته‌ها نشان داد، علی‌رغم اهمیت سبک‌های مدیریت کلاس و نقش آن در خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی به‌ویژه پایه ششم، پژوهشی در این خصوص انجام نشده است. همچنین با توجه به اهمیت مدیریت کلاس در ایجاد جو مناسب و مطلوب در راستای توسعه خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان این مطالعه بر آن است تا به بررسی رابطه بین سبک مدیریت کلاس درس با خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ششم ابتدایی بپردازد.

بر اساس آنچه گفته شد، فرضیات پژوهش حاضر به‌قرار زیر تدوین گردید:

- ۱- سبک‌های مدیریت کلاس درس (مداخله‌گرایانه تا غیرمداخله‌گرایانه) توسط معلم با خودتنظیمی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی رابطه دارد.
- ۲- سبک‌های مدیریت کلاس درس (مداخله‌گرایانه تا غیرمداخله‌گرایانه) توسط معلم با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی رابطه دارد.

۲-۱ روش

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است به این صورت که رابطه متغیر سبک‌های مدیریت کلاس درس توسط معلم با خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته است. به این تحقیقات که بر پایه بررسی رابطه دو یا چند متغیر انجام می‌گیرند پژوهش همبستگی می‌گویند (دلور، ۱۳۹۸).

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و معلمان پایه ششم ابتدایی منطقه چهار شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بودند که طبق آمار اعلامی (سایت رسمی آموزش و پرورش) تعداد ۴۰۰۰ دانش‌آموز پسر پایه ششم ابتدایی در ۵۵ مدرسه ابتدایی منطقه ۴ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹، مشغول به تحصیل بودند و تعداد معلمان نیز ۱۳۱ نفر بودند. با توجه به گستردگی و حجم زیاد جامعه آماری، برای انتخاب مدارس ابتدایی از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است (هومن، ۱۳۹۵). به این صورت که در این پژوهش به روش خوشه‌ای، از میان کلیه دبستان‌های ابتدایی دولتی پسرانه منطقه ۴ شهر تهران که به تعداد ۵۵ مدرسه می‌باشند، ۵ دبستان انتخاب شدند و از میان ۱۵۰۰ دانش‌آموز مقطع ششم ابتدایی این دبستان‌ها تعداد ۳۱۰ نفر دانش‌آموز (با توجه به نوع طرح پژوهش که همبستگی می‌باشد نمونه مورد نیاز ۵۰ نفر برای هر گروه مورد نیاز است) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند (دلور، ۱۳۹۸). روش نمونه‌گیری دانش‌آموزان به دلیل شیوع بیماری کووید-۱۹ به‌صورت در دسترس بود و برای انتخاب معلمان، به‌صورت روش نمونه‌گیری هدفمند معلمانی انتخاب شدند که دانش‌آموزان آن‌ها برای شرکت در پژوهش انتخاب شده بودند که این تعداد مشتمل بر ۳۵ نفر بود.

جهت جمع آوری داده‌های پژوهش از سه پرسشنامه سبک‌های مدیریت کلاس به‌وسیله‌ی ولفگانگ^۱ (۱۹۹۶)، خودتنظیمی بوفارد و همکاران (۱۹۹۵) و مسئولیت‌پذیری از پرسشنامه نعمتی (۱۳۸۶) استفاده گردید. پرسشنامه سبک‌های مدیریت کلاس درس توسط عالی و امین یزدی (۱۳۸۴) به فارسی برگردانده شده است. پرسشنامه فوق دارای ۲۵ سؤال (در سه مقیاس مدیریت رفتار، افراد و آموزش) است. طبق الگوی ولفگانگ، نمره بالا در این طیف نشانگر سبک مدیریت مداخله‌گر و نمره پایین سبک غیر مداخله‌گر است. سبک تعامل‌گرا نیز در نقطه‌ی میانی این طیف میان دو سبک دیگر جای داشته است به‌طوری‌که نمرات ۲۵ تا ۴۰ مربوط به غیر مداخله‌گر و ۴۱ الی ۷۵ مربوط به تعامل‌گرا و ۷۶ الی ۱۰۰ مربوط به سبک مداخله‌گر بوده است. پرسشنامه خودتنظیمی بوفارد و همکاران (۱۹۹۵)، که حاوی ۱۴ سؤال است، توسط کدیور در سال ۱۳۸۰ در ایران هنجاریابی شد و در شیوه نمره‌گذاری آن از مقیاس نمره‌گذاری طیف لیکرت از کاملاً موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) استفاده شده است. حداقل امتیاز ممکن ۱۴ و حداکثر امتیاز ۷۰ خواهد بود. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری نعمتی (۱۳۸۶) شامل ۵۰ سؤال است که دارای ۷ بعد هستند که، عبارت‌اند از خود مدیریتی، نظم‌پذیری، قانونمندی، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی می‌باشد.

۲. یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی معلمان

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی نمونه مورد مطالعه بر اساس جنسیت معلمان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۲۳	۶۵/۷
مرد	۱۲	۳۴/۳
مجموع	۳۵	۱۰۰/۰۰

نتایج جدول ۱، نشان می‌دهد که با توجه به عامل جنسیت، بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش معلمان زن با فراوانی ۲۳ نفر (۶۵/۷ درصد) بودند.

جدول ۲ شاخص‌های توصیفی نمونه مورد مطالعه بر اساس سن معلمان

سن معلمان	فراوانی	درصد فراوانی
۲۰-۳۰ سال	۵	۱۴/۳
۳۱-۴۰ سال	۸	۲۲/۹
۴۱-۵۰ سال	۱۳	۳۷/۱
۵۰ سال به بالا	۹	۲۵/۷
مجموع	۳۵	۱۰۰/۰۰

۱. Wolfgang

نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد که، بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش در محدوده سنی ۴۱-۵۰ سال با فراوانی ۱۳ نفر (۳۷/۱ درصد) بودند.

جدول ۳ شاخص‌های توصیفی نمونه مورد مطالعه بر اساس تحصیلات معلمان

تحصیلات معلمان	فراوانی	درصد فراوانی
کاردانی	۱	۲/۹
کارشناسی	۲۹	۸۲/۹
کارشناسی ارشد	۵	۱۴/۳
دکتری	۰	۰/۰
مجموع	۳۵	۱۰۰/۰۰

نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد، بیشتر معلمان شرکت‌کننده در پژوهش در مقطع تحصیلی کارشناسی با فراوانی ۲۹ نفر (۸۲/۹ درصد) بودند.

جدول ۴ شاخص‌های توصیفی نمونه مورد مطالعه بر اساس سابقه خدمت معلمان

سابقه خدمت معلمان	فراوانی	درصد فراوانی
۱۰-۱ سال	۱۰	۲۶/۶
۱۰-۲۰ سال	۱۱	۳۱/۴
۲۰ سال به بالا	۱۴	۴۰/۰
مجموع	۳۵	۱۰۰/۰۰

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد، بیشتر معلمان شرکت‌کننده در پژوهش دارای سابقه خدمت ۲۰ سال به بالا (۴۰/۰) درصد بودند.

بررسی فرضیات پژوهش

فرضیه اول پژوهش

✓ بین سبک مدیریت کلاس درس و خودتنظیمی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی رابطه وجود دارد.

جدول ۵-آزمون معناداری ضریب همبستگی برای متغیر سبک مدیریت کلاس درس و خودتنظیمی در نمونه مورد مطالعه

متغیر	سبک مدیریت کلاس درس	خودتنظیمی
۱. سبک مدیریت کلاس درس	-	-
۲. خودتنظیمی	**۰/۴۱۵	-

یافته‌های حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد که بین سبک‌های مدیریت کلاس درس (طیفی از مداخله‌گرایانه تا غیرمداخله‌گرایانه) با خودتنظیمی، در سطح $\alpha=0/01$ رابطه معناداری وجود دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود شدت این رابطه برابر با $0/415-$ مقدار است که حاکی از وجود رابطه معکوس بین میزان مداخله معلم در سبک مدیریت کلاس درس و میزان خودتنظیمی دانش‌آموزان وجود دارد. هرچقدر میزان مداخله معلم بیشتر باشد، خودتنظیمی دانش‌آموزان کمتر می‌شود.

با توجه به یافته‌های این آزمون فرضیه اول پژوهش در خصوص وجود رابطه بین سبک‌های مدیریت کلاس درس معلم (طیفی از مداخله‌گرایانه تا غیرمداخله‌گرایانه) با خودتنظیمی دانش‌آموزان تأیید می‌گردد. جهت بررسی میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد که در آن دو متغیر سبک مدیریت کلاس درس و خودتنظیمی دانش‌آموزان وارد مدل شدند که نتایج آن در جداول زیر آورده شده است؛ جدول ۶- نتایج آزمون رگرسیون خطی برای پیش‌بینی خودتنظیمی بر اساس سبک مدیریت کلاس درس

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین (R^2)	ضریب تبیین تعدیل شده	F	سطح معنی‌داری
0/415	0/173	0/170	64/26	0/00

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌داری (0/00) کمتر از 0/05 بوده لذا این مقدار حاکی از آن است که مدل رگرسیون برای دو متغیر مذکور معنی‌دار می‌باشد، یعنی سبک مدیریت کلاس درس بر خودتنظیمی در دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد.

شاخص R^2 (ضریب تبیین)، تعیین می‌کند که چند درصد از تغییرات متغیر ملاک (خودتنظیمی)، توسط متغیر پیش‌بین (سبک مدیریت کلاس درس)، تبیین می‌شود. به عبارت دیگر متغیر پیش‌بین چند درصد توانایی برازش متغیر وابسته را دارد. در این پژوهش این مقدار برابر با 0/173 است. این مقدار حاکی از آن است که سبک مدیریت کلاس درس می‌تواند 17 درصد خودتنظیمی در دانش‌آموزان را پیش‌بینی نماید.

با توجه به یافته‌های این آزمون، فرضیه سوم پژوهش در خصوص توانایی پیش‌بینی خودتنظیمی دانش‌آموزان بر اساس سبک مدیریت کلاس درس معلم تأیید می‌گردد.

جدول ۷- ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و آماره تی متغیر وارد شده در معادله رگرسیون

متغیر پیش‌بین	B	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا)	T آمار	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	46/70	3/94		17/85	0/00
سبک مدیریت کلاس درس	-0/416	0/052	-0/415	-8/01	0/00

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، سبک مدیریت کلاس درس با مقدار تی (17/85) و سطح معنی‌داری (0/00)، تأثیر معنی‌دار و منفی بر میزان خودتنظیمی دانش‌آموزان دارد. در نهایت مدل رگرسیونی محاسبه شده در این پژوهش برای پیش‌بینی خودتنظیمی در دانش‌آموزان با استفاده از سبک مدیریت کلاس درس معلم به شرح زیر است؛

$$\text{(سبک مداخله گر)} = 40/76 - 0/416 \times \text{خودتنظیمی}$$

همان‌طور که در مدل فوق مشاهده می‌کنید، سبک مدیریت کلاس درس با افزایش میزان مداخله معلم با ضریب (۰/۴۱۶-) میزان خودتنظیمی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

فرضیه دوم پژوهش

✓ بین سبک‌های مدیریت کلاس درس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه دوم پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است؛ جدول ۸- آزمون همبستگی پیرسون برای متغیر سبک مدیریت کلاس درس و مسئولیت‌پذیری در نمونه مورد مطالعه

متغیر	سبک مدیریت کلاس درس	مسئولیت‌پذیری
۱. سبک مدیریت کلاس درس	-	-
۲. مسئولیت‌پذیری	-	-

یافته‌های حاصل از جدول ۸ نشان داده است، بین سبک‌های مدیریت کلاس درس (مداخله‌گرایانه تا غیرمداخله‌گرایانه) و مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان، در سطح $\alpha=0/01$ رابطه معناداری وجود دارد. میزان همبستگی بین سبک مدیریت کلاس درس معلم و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان با مقدار (۰/۵۷۰-) است که حاکی از وجود رابطه معکوس بین میزان مداخله معلم در سبک مدیریت کلاس درس و میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان وجود دارد. هرچقدر میزان مداخله معلم بیشتر باشد، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان کمتر می‌شود.

با توجه به یافته‌های این آزمون، فرضیه دوم پژوهش در خصوص وجود رابطه بین سبک‌های مدیریت کلاس درس معلم (طیفی از مداخله‌گرایانه تا غیرمداخله‌گرایانه) با مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان تأیید می‌گردد. جهت بررسی فرضیه چهارم پژوهش از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد که در آن دو متغیر سبک مدیریت کلاس درس معلم و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان که دارای رابطه معنی‌داری بودند، وارد مدل شدند که نتایج آن در جدول ۱۲ ارائه شده است؛

جدول ۹- نتایج آزمون رگرسیون خطی برای پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری بر اساس سبک مدیریت کلاس درس

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تبیین (R^2)	ضریب تبیین تعدیل‌شده	F	سطح معنی‌داری
۰/۵۷۰	۰/۲۳۴	۰/۲۳۱	۶۸/۱۹	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ بوده لذا این مقدار حاکی از آن است که مدل رگرسیون برای دو متغیر مذکور معنی‌دار می‌باشد، یعنی سبک مدیریت کلاس درس بر مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد.

شاخص R^2 (ضریب تبیین)، تعیین می‌کند که چند درصد از تغییرات متغیر ملاک (مسئولیت‌پذیری)، توسط متغیر پیش‌بین (سبک مدیریت کلاس درس)، تبیین می‌شود. به عبارت دیگر متغیر پیش‌بین چند درصد توانایی برازش

متغیر وابسته را دارد. در این پژوهش این مقدار برابر با ۰/۲۳۴ شده است. این مقدار حاکی از آن است که سبک مدیریت کلاس درس به میزان ۲۳ درصد توانایی پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان را دارد. با توجه به یافته‌های این آزمون، فرضیه چهارم پژوهش در خصوص توانایی پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان بر اساس سبک مدیریت کلاس درس معلم تأیید می‌گردد. جدول ۱۰- ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و آماره تی متغیر واردشده در معادله رگرسیون

متغیر پیش‌بین	B	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا)	آماره T	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۲۳/۱۱۲	۳/۹۴		۱۷/۸۵	۰/۰۰
سبک مدیریت کلاس درس	-۰/۵۷۰	۰/۰۷۳	-۰/۵۶۹	-۱۰/۳۴	۰/۰۰

همان‌طور که نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد، سبک مدیریت کلاس درس با مقدار تی (-۱۰/۳۴) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰)، تأثیر معنی‌دار و منفی بر مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دارد. درنهایت مدل رگرسیونی محاسبه‌شده در این پژوهش برای پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان با استفاده از سبک مدیریت کلاس درس به شرح زیر است؛

$$\text{(سبک مداخله گر)} = ۰/۵۷۰ - ۲۳/۱۱۲ = \text{مسئولیت‌پذیری}$$

همان‌طور که در مدل فوق مشاهده می‌شود، سبک مدیریت کلاس درس با افزایش میزان مداخله معلم با ضریب (-۰/۵۷۰) میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

مدیریت کلاس که باهدف بالا بردن میزان مسئولیت‌پذیری و خودتنظیمی دانش‌آموزان انجام می‌گیرد، شیوه‌های متفاوتی می‌طلبد. هر معلم بسته به شرایط کلاس و دانش‌آموزان و روحیات خویش از سه روش عمده تعاملی، مداخله‌گرایانه و غیر مداخله‌گرایانه بهره می‌برد.

در سبک مدیریت تعامل‌گرایانه رابطه بین اعضا دوطرفه است و این رابطه به‌صورت صمیمانه و دوستانه بین معلم و دانش‌آموز برقرار می‌شود و رابطه‌مداری در این سبک وجود دارد و نظارت و کنترل هم به‌صورت خودکنترلی توسط اعضا صورت می‌گیرد. رویکرد تعامل‌گرایانه شرایطی را فراهم می‌آورد که افراد با توجه به نیازها و مشکلاتشان شناسایی می‌شوند و موردبررسی قرار می‌گیرند. همین نکته مهم دال بر این موضوع است که معلمان تعامل‌گرا در فرایندهای کلاسی توجه ویژه‌ای به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان خود دارند که این امر در افزایش میزان خودتنظیمی آن‌ها مؤثر است.

سه عنصر کلیدی در مدیریت کلاس به سبک تعامل‌گرا به وضوح قابل‌مشاهده است؛ استفاده مناسب از فضا و زمان کافی، اجرای استراتژی‌هایی که دانش‌آموز را برای یک انتخاب خود ترغیب می‌کند، تنظیم شرایطی که کنترل را در رفتار دانش‌آموزان به آن‌ها آموزش می‌دهد. همین سه عنصر کلیدی در ایجاد موقعیتی که دانش‌آموزان را در

فرآیندهای کلاسی به سمت تلاش‌های مستمر بر مبنای خواست درونی و خودتنظیمی، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر مبین این امر است که در کلاس درس دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی که معلم به سبک تعامل‌گرا (نیمه مداخله‌گرایانه) کلاس را اداره می‌کند، دانش‌آموزان از میزان بالایی خودتنظیمی برخوردارند. رویکرد تعامل‌گرایانه می‌تواند برای تجزیه و تحلیل مناسب و حل مشکلات به معلمان کمک کند، یک سبک مدیریت خوب در کلاس درس موجب بالا بردن سطح موفقیت و غنی‌سازی دانش‌آموزان و محیط کلاس درس می‌شود. در سبک تعامل‌گرایانه، دانش‌آموزان با تعامل در کلاس درس مسائل را می‌آموزند و در فعالیت‌های درسی مشارکت می‌کنند و رابطه بین افراد به صورت دوستانه و صمیمی است و به جای کنترل کردن از طریق دخالت مستقیم معلم و قوانین و مقررات مدرسه، خودانضباطی، خودگردانی و خودتنظیمی در کلاس درس حاکم است.

از سوی دیگر سبک غیرمداخله‌گرایانه با این باور که دانش‌آموزان دارای قابلیت درونی هستند، بر این باورند که دانش‌آموزان باید اعمال نفوذ قابل توجهی در کلاس درس باشند و معلمان باید کمتر در تنظیم رفتارهای دانش‌آموزان نقش داشته باشند بر همین اساس، معلمی که سبک غیرمداخله‌گرایانه را در مدیریت کلاس درس خود برمی‌گزیند، تعیین فعالیت‌های یادگیری، نظارت بر دانش‌آموزان، تعیین مقررات و اجرای آن را به صورت کامل بر عهده دانش‌آموزان می‌گذارد. در واقع رویکرد غیرمداخله‌گرا یک رویکرد دانش‌آموز محور برای انضباط کلاسی است که معلم در آن نقش تسهیل‌کننده دارد و در آن حداقل کنترل را در کلاس درس اجرا می‌کند. مداخلات غیرکلامی و کنفرانس‌های فردی در این سبک مدیریتی کلاس درس موجب واگذاری اختیارات از معلم به دانش‌آموز می‌گردد و همین امر می‌تواند در فرآیندهای کلاس درس پایه ششم موجب افزایش میزان توجه معلم به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان شده و آزادی‌های فردی و تیمی دانش‌آموزان در کلاس درس مورد توجه قرار گیرد.

در سبک مدیریتی غیرمداخله‌گرایانه معلم غیر مداخله‌گر بر این امر معتقد است که اصل اساسی تعلیم و تربیت، انسان‌گرایی و در اختیار قراردادن فرصت‌هایی به دانش‌آموزان برای انتخاب و مدیریت یادگیران است و این به معنای دادن آزادی انتخاب به صورت کامل به دانش‌آموزان نمی‌باشد؛ بلکه اجازه دادن به فرد برای مشارکت در بحث‌های کلاسی می‌باشد. با چنین عقیده‌ای معلم مسئولیت‌ها را به عهده دانش‌آموزان می‌گذارد و فرصت بیشتر برای تعامل آزاد در کلاس و پیروی آن‌ها از علایق شخصی خود برای آنان ایجاد می‌کند اما ضروری است که معلمانی که با این باور از سبک مدیریت غیرمداخله‌گرایانه در کلاس درس خود استفاده می‌کنند به این نکته مهم توجه داشته باشند که هر سبک مدیریتی در کلاس درس به فراخور سن و پایه تحصیلی دانش‌آموزان و همچنین جنسیت آن‌ها می‌بایست مورد بازبینی و بازبینی مجدد قرار گیرد و تنها با تعاریف مفهومی آن، مورد استفاده عملی در کلاس درس قرار نگیرد. همچنانی که یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که چنین رویکرد مدیریتی در کلاس درس دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی اثر مثبت بر میزان خودتنظیمی آن‌ها دارد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد خودتنظیمی به‌عنوان عامل مهم در خودکنترلی و خودگردانی دانش‌آموزان نقش مهمی دارد. یافته‌های حاصل از رگرسیون نشان داد که سبک مدیریت کلاس درس با ۱۷ درصد (در جهت منفی) میزان خودتنظیمی دانش‌آموزان را تبیین می‌نماید. این اعداد نشان از اهمیت تأثیر میزان مداخله معلم در میزان خودتنظیمی دانش‌آموزان. در سبک مداخله‌گرایانه بر خلاف دو سبک مذکور، معلم مسئولیت اصلی را برای کنترل

دارد و تلاش وی با اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر فعالیت‌ها و رفتار دانش‌آموزان است و به وسیله تأکید بر قوانین و انضباط کلاس به‌عنوان راهی برای دستیابی به اهداف آموزشی استفاده می‌کند.

سبک مداخله‌گرایانه سبکی است که در آن تمرکز اختیارات در دست معلم است، معلم به تنهایی تصمیم می‌گیرد و نظر دانش‌آموزان را جویا نمی‌شود. در این سبک، روابط از بالا به پایین است و می‌توان گفت رابطه‌ای نظارتی و کنترل‌گر است و ساختار سلسله‌مراتبی بر روابط وجود دارد. در این سبک بیشتر به وظایف و اهداف محیط آموزشی توجه می‌شود تا نیازهای دانش‌آموزان طبق مقررات و دستورالعمل‌ها انجام می‌شود. مسلماً در چنین فضایی، دانش‌آموزان تأثیر منفی از معلم و فرایندهای کلاسی در جهت ارتقاء میزان خودتنظیمی‌شان، دریافت خواهند کرد. چراکه باورها و نگرش معلمانی که از چنین سبکی در کلاس درس خود استفاده می‌کنند در منافات با ماهیت خودتنظیمی در دانش‌آموزان است.

از آنجاکه در پژوهش حاضر، سبک مدیریت کلاس درس به میزان ۲۳ درصد میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند و میزان مداخله‌گری معلم تأثیر قابل‌توجهی بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارد. هرچقدر میزان مداخله‌گری معلم بیشتر باشد میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان کاهش می‌یابد. از این نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که سبک مدیریت تعامل‌گرا حد میانی دو سبک مداخله‌گرایانه و غیرمداخله‌گرایانه در اداره کلاس درس است که با بهره‌گیری از روابط مبتنی بر اعتماد متقابل معلم و دانش‌آموز نقش بسزایی در بالا بردن مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارد. الگوی تعاملی در مدیریت کلاس، بر پایه‌ی این ایده‌ی اساسی استوار است که کنترل رفتار دانش‌آموزان مسئولیت مشترک معلمان و فراگیران است و تنها نمی‌تواند مسئولیت آن را به معلمان یا دانش‌آموزان واگذار کرد. حال آنکه سبک مداخله‌گرایانه به دلیل نظارت و کنترل مستقیم بر رفتار یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس، تأثیری منفی بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی داشته باشد. معلم مداخله‌گر با تعیین قوانین انضباطی و اجرای آن باهدف کنترل فرایند یاددهی-یادگیری در کلاس درس و عدم مشارکت دادن دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های کلاسی، مسئولیت اداره کلاسی و نظارت بر رفتار دانش‌آموز را خود به تنهایی بر عهده می‌گیرد. در چنین جوی دانش‌آموزان هیچ نوع اختیار و مسئولیتی در فرایند یادگیری احساس نمی‌کنند و بر این باور هستند که فقط معلم است که می‌تواند رفتار آن‌ها را کنترل، نظارت و اصلاح کند. این باور تعامل دانش‌آموز و معلم را به پایین‌ترین سطح کاهش می‌دهد و جو کلاس را به سمت جوی بی‌روح و عاری از هرگونه احساس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموز در یادگیری سوق می‌دهد. استفاده از سبک مدیریت مداخله‌گرایانه به دلیل رها کردن دانش‌آموزان به حال خود و عدم ایجاد ارتباط سازنده با آن‌ها نقش مهمی در کاهش یا افزایش دو متغیر مسئولیت‌پذیری در آن‌ها دارد. می‌توان گفت که اهمیت مداخله در سبک مدیریت کلاس درس و به دلیل اثرگذاری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان بسیار حیاتی است. به‌ویژه در خصوص سبک مداخله‌گرایانه، با توجه به یافته‌های بخش آزمون رگرسیون، که میزان تأثیر منفی بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است، لزوم آموزش و هدایت معلمان در راستای آگاهی آن‌ها از تأثیرات این سبک از مدیریت در کلاس درس بسیار مهم و حیاتی است.

یافته‌های فوق در بخش وجود رابطه بین سبک مدیریت کلاس درس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان با مطالعه تقی زاده (۱۳۹۶) همسو بود. همچنین در بخش وجود رابطه بین سبک مدیریت کلاس درس و خودتنظیمی دانش‌آموزان نیز یافته‌های پژوهش حاضر همسو با مطالعات کوشان (۱۳۹۳)؛ توربوا و همکاران (۲۰۱۹) و برداشاو (۲۰۱۳) بود.

✓ با توجه به یافته‌های مربوط به فرضیه اول پژوهش به معلمان، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان سیستم تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود:

۱- استفاده مناسب از فضا و زمان کافی برای تعامل با دانش‌آموزان در راستای اجرای استراتژی‌هایی چون طراحی پروژه و اجرا تیمی آن توسط دانش‌آموزان با هدایت و رهبری معلم به‌گونه‌ای که شرایطی تنظیم شود که کنترل را در رفتار دانش‌آموزان به خود آن‌ها واگذار نماید

۲- لازم است محتوای کتاب‌های درسی توسط متخصصان برنامه‌ریزی درسی و نویسندگان کتاب‌های درسی، با دانش و آگاهی از مبانی نظری و تجربی خودتنظیمی، به‌صورتی سازمان‌دهی گردد که یادگیری این مهارت از طریق سبک مدیریت تعامل‌گرا قابل آموزش و یادگیری باشد.

۳- معلمان در راستای افزایش میزان خودتنظیمی در دانش‌آموزان، از صحبت کردن بیش از حد اجتناب کنند و اجازه دهند دانش‌آموزان زمان بیشتری در کلاس فعال باشند. در واقع بهترین روش به این صورت است که معلم ۲۰ درصد از وقت کلاس و دانش‌آموزان ۸۰ درصد از وقت کلاس را استفاده کنند.

✓ با توجه به یافته‌های مربوط به فرضیه دوم پژوهش به معلمان، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان سیستم تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود:

۱- اولویت قراردادن نیازهای دانش‌آموزان و تأکید بیشتر معلم بر مشارکت دانش‌آموزان در فرآیندهای کلاسی و حمایت از آنان به‌جای تأکید بر قواعد و رویه‌های مدیریتی و نظم در کلاس درس و استفاده از دستورالعمل‌های شفاف به دانش‌آموزان در کنار مدیریت احساسات در کلاس درس و ایجاد فرصت برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاس و مدرسه در راستای واگذاری مسئولیت‌های متنوع به آنان

۲- تمرکز بر محیط درونی دانش‌آموزان و ویژگی‌های فردی آن‌ها، تعامل متقابل و مرتبط معلم با رفتار دانش‌آموز، نقش آموزشی، انگیزشی، اجتماعی، مدیریتی و ارزیابی در فرآیند تعامل‌گرایانه معلم و دانش‌آموز و همچنین ایجاد روابط صمیمانه و دوستانه و مبتنی بر رابطه‌مداری میان معلم و دانش‌آموزان در راستای شناسایی نیازها و مشکلات آموزشی و غیر آموزشی دانش‌آموزان

۳- مشاوران مدارس در کنار معلمان، برای آموزش، به‌کارگیری و اجرای راهبرد یادگیری و مسئولیت‌پذیری، دانش‌آموزان را راهنمایی کرده و زمینه‌های اجرای آن را از طریق فعالیت‌های فوق‌برنامه در مدرسه اعم از فعالیت‌های فرهنگی-هنری و خدمات اجتماعی فراهم سازند.

۴- استفاده از فناوری‌های روز از قبیل فعالیت طراحی شده و هدفمند در شبکه‌ها اجتماعی، در راستای بالا بردن تعامل میان دانش‌آموزان، معلم و سایر گروه‌های همسالان، به‌منظور افزایش به‌کارگیری سبک تعامل‌گرا در فرایندهای آموزشی و تعریف مسئولیت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان با استفاده از فضای مجازی در زمان شیوع بیماری

پیشنهاد برای پژوهش آینده

- ۱- بررسی تأثیر سبک‌های مدیریت کلاس بر ویژگی‌های دانش‌آموزان ازجمله جنسیت و پایه تحصیلی
۲. بررسی عوامل مؤثر در انتخاب سبک مدیریت کلاس توسط معلمان و مقایسه آن در پایه‌ها و مقاطع تحصیلی در مدارس دولتی و غیردولتی

منابع

- آریاپوران، سعید؛ عزیزی، فرامرز؛ دیناروند، حسن (۱۳۹۲). «رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان با انگیزش و پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان پنجم ابتدایی»، *مجله روانشناسی مدرسه*، ۲(۱)، ۲۳-۴۱.
- افشارنیا، معصومه و عباسی، رضا و دسترنج، مرتضی (۱۳۹۷). «بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس داری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی»، <https://civilica.com/doc/۷۹۶۴۳۴>.
- بخشایش، علیرضا؛ آذریناد، عبدالله (۱۳۹۲). «رابطه بین سبک رهبری معلمان با رضایت شغلی و سلامت روانی آنان»، *فصلنامه روش‌های نوین در مدیریت آموزشی*، ۳(۹)، ۶۳-۸۲.
- تقی زاده، بهروز (۱۳۹۶). «بررسی ارتباط کیفیت آموزشی مدارس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه شهر اهواز از دیدگاه اولیا و مربیان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، رشته علوم تربیتی مدیریت آموزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خانی، منیژه؛ باقری، صرفناز؛ دانشیار، شبنم (۱۳۹۲). «رابطه راهبردهای یادگیری خودنظم داده‌شده با نمره فیزیک دانش‌آموزان سوم متوسطه»، چهاردهمین کنفرانس آموزش فیزیک ایران و چهارمین کنفرانس فیزیک و آزمایشگاه، تهران، دانشگاه فرهنگیان.
- خواجانه‌نوری، بیژن؛ مساوات، سید ابراهیم؛ ریاحی، زهرا (۱۳۹۳). «رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی»، *مجله جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۵(۴)، ۴۵-۶۴.
- دلاور، علی (۱۳۹۸). *روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*؛ ناشر: ویرایش.
- رنجبر، سمیه (۱۳۹۱). «مطالعه عوامل مؤثر بر مدیریت اثربخش کلاس درس»، نخستین همایش ملی علوم مدیریت نوین.
- سرمدی، محمدرضا و صیف، محمدحسن (۱۳۹۰). *مدیریت کلاس درس*؛ تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۳). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی*؛ جلد ۲، انتشارات سمت.
- عامریان، فاطمه (۱۳۹۶). «تأثیر سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان زبان خارجی ایرانی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و نظر دانش‌آموزان درباره کارآمدی تدریس معلمان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- عظیمی، محمد؛ پیری، موسی؛ زوار، تقی (۱۳۹۲). «رابطه فرسودگی تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه»، *مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۲(۳۸-۳۹)، ۱۱۶-۱۲۸.
- عماد زاده، محمد (۱۳۹۳). *اقتصاد آموزش و پرورش*؛ اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فراشاهی، شهناز (۱۳۹۴). «رابطه سبک‌های مدیریت کلاس درس با هیجانات تحصیلی و خودتنظیمی انگیزش»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه کاشان.
- غیاثوند، شهرزاد؛ ورعی، شکوه؛ یادگاری، محمدعلی؛ پور رحیمی، اکبر (۱۳۹۶). «مدیریت کلاس درس برای دانشجویان بی‌انگیزه»، *مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی یزد*، ۱۲(۲)، ۱۳-۲۶.

